

اخلاق‌گرایی و حریم خصوصی^۱

رحیم نوبهار

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

آیا اخلاق‌گرایی حریم خصوصی رها از مداخلات دولتی را بر می‌تابد؟ مداخله دولتی در حریم خصوصی با انگیزه‌ها و دغدغه‌های متفاوت صورت می‌گیرد. گاه این مداخله بر اقتدارگرایی مبتنی است. حکومت اقتدارگرا از آن روی که همه عرصه‌های زندگی انسان را محل اعمال قدرت خود می‌بیند، قلمرویی به نام حریم خصوصی را به رسمیت نمی‌شناسد. بنیتو موسولینی رهبر ایتالیای فاشیست به مقامات کلیسا گفته بود: کودکان را پس از غسل تعمید به من تحویل دهید، من برای مراسم مذهبی تدفین به شما تحویل خواهم داد.

گاه مداخله در حریم خصوصی با رویکرد پدرسالاری صورت می‌گیرد؛ در این دیدگاه بی آن که تأکید بر اخلاق باشد؛ اعتقاد بر این است که حاکمیت باید همچون پدر و سرپرست طفل، مراقب شهروندان باشد. این دیدگاه با چالش‌های بزرگی روبرو است؛ از جمله، معمای پدرسالاری معرفت‌شناختی؛ یعنی این که چگونه مطمئن شویم دولت و حاکمیت ضرورتاً خیر و صلاح شهروندان را تشخیص می‌دهد؛ حتی اگر آن قدر شایسته باشد که تنها به خیر و صلاح آن‌ها بیندیشد و جز به خیر و صلاح آنان عمل نکند.

گاه مداخله در حریم خصوصی با رویکرد اخلاق‌گرایی صورت می‌گیرد؛ این رویکرد با آن‌که در نگاه نخستین بی‌اشکال جلوه می‌کند، با چالش‌های سختی روبروست؛ از جمله، نخست: تناقض‌نمای استفاده از الزام و اجبار برای رسیدن به اخلاق؛ حال آن‌که در گوهر رفتار اخلاقی عنصر انتخاب و اراده و گزینش بسیار تعیین‌کننده است؛ دوم: ذهنی بودن اخلاق و امکان اختلاف دولت و شهروند در تعیین امر اخلاقی و تفسیر و تعبیر آن؛ سوم: صلاحیت اخلاقی دولت برای پیگیری و اجرای اخلاق.

دشواری‌های پیش‌گفته می‌طلبد تا حتی دولت اخلاق‌گرا در زمینه مداخله در حریم خصوصی شهروندان بی‌باک و گشاده‌دست نباشد؛ شاید ره‌آورد مداخلات اخلاق‌گرایانه در حریم خصوصی نهادینه کردن نفاق و دورویی در جامعه باشد. طبع اخلاق می‌طلبد باب اخلاق انتقادی و گفتگو درباره اخلاق و اخلاقیات باز باشد تا شهروندان و دولت درباره اخلاق به همدلی نسبی برسند؛ لزوم صلاحیت شخصی دولت برای مداخله در اخلاق می‌طلبد

^۱. خلاصه سخنرانی برای "نشست تخصصی حریم خصوصی در فقه و حقوق" دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ششم دی ۱۳۹۳.

که حاکمیت پیوسته از خود بپرسد آیا خود به اندازه کافی به بنیادهای اخلاقی پایبند هست تا بتواند شهروندان را به زیست اخلاقی الزام کند.

احتمالاً دل‌مشغولی‌های پیش‌گفته یک دولت معقول و منصف را بیشتر بدین سوی هدایت می‌کند تا به جای مداخله در حریم خصوصی از راه‌های گوناگون از جمله الزامات قانونی و بویژه الزامات قهرآمیز کیفری، به سیاست تشویق خیر و فضیلت در جامعه مدنی روی بیاورد تا به نهادینه شدن اخلاق در تار و پور جامعه کمک کند و از افکار عمومی به مثابه ابزاری برای کنترل رفتار شهروندان کمک بگیرد. به همین ترتیب منطق بهره‌گیری از تشویق به جای منطق طرد اجتماعی بسیار سودمند است و دارای محذورهای پیش‌گفته نیست. شاید این دیدگاه با شمار زیادی از آموزه‌های قرآنی همخوان باشد؛ قرآن خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: ای پیامبر! پس به مردم یادآوری کن! تو تنها یادآوری کننده‌ای. تو بر آنان سیطره نداری. (فذكر إنما أنت مذكر، لست عليهم بمسيطر). (غاشیه) (۸۸): ۲۲ بدین سان دولت نسبت به اخلاق و فضیلت‌های مدنی خنثی نیست؛ اما آن‌ها را از راهی جز الزام و اجبار پیگیری می‌کند.^۲

^۲. برای ملاحظه توضیحات بیشتر نک: نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۸۷، صص ۳۰۹-۳۴۱.